

ریاست مستقیم بنده پیشنهاد کردم (مستقیماً در تحت ریاست) نه ریاست مستقیم و آن عبارت هم که مسئولیت باشد البته وزیر وزارتخانه و اداره مسئول آن وزارتخانه و اداره میباشد ریاست هم معنایش همین است ولی نوشتن آنهم ضرر ندارد.

لهدا آنجا پیشنهاد کردم که (مستقیماً در تحت ریاست و مسئولیت وزیر مالیه خواهند بود)

**سلیمان میرزا** - در اینجا نوشته شده است کلیه ادارات در ماده فوق در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهند بود باید دقت کرد که در ماده فوق فقط لفظ ادارات نیست کمیسیون تطبیق حوالجات و پرسنل و مجلس مشاوره عالی برای معاکمات نیز هست و قتیکه این ماده باین ترتیب نوشته شده باشد میتوان سوم تصور کرد که فلان محکمه با فلان دائره در تحت ریاست وزیر مالیه نیست فقط آنچه که اسم اداره بر آن تعلق میگیرد در تحت ریاست وزیر مالیه است و بعلاوه باید دید تشکیلات وزارتخانه ها و قتیکه گفتند دائره در تحت ریاست یک اداره است باید معلوم شود که هر دائره در تحت ریاست کدام اداره است و در مواردی که ذکر شده است ارتباط آن دوائر با ادارات معین نشده و اگر ارتباط دوائر با ادارات معین شده بود و قتیکه نوشته میشود کلیه ادارات مذکور در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهند بود آن دوائر را هم شامل بود چون این ارتباط منظور نشده معلوم نیست که ترتیب دوائر از چه قرار است در صورتیکه در ماده ششم هم ذکر شده است رؤسای دوائر ادارات مذکور به تصویب رئیس اداره و حکم وزارتی منصوب میشوند و قتیکه این دورا با هم تطبیق کنند و بهلوی هم بگذارند و مقابله کنند معلوم نیست که رئیس دائره پرسنل و منزومات را رئیس کدام اداره باید یوزیر پیشنهاد بکند تا وزیر حکم بدهد بنابراین بنده خیال میکنم عوض کلیه ادارات (کلیه ادارات و دوائر) یا (کلیه تقسیمات فوق) که شامل تمام آنها بشود نوشته شود بهتر است تا آنکه کمیسیون برای موقع شور و دهم ارتباط دوائری که در اینجا اسم برده شده است با ادارات معین نمایند

**سردار معظم** - این ایراد چندان وارد نیست بنده مخالفتی ندارم لفظ دوائر هم اضافه شود ولی زیادی است زیرا هر دائره لازم نیست حتماً در تحت یک اداره باشد بلکه ممکن است یک دوائر مستقلی باشد چنانچه دائره پرسنل که در تحت ریاست وزیر مالیه است بدون اینکه در تحت حکم یک اداره باشد با این ترتیب اگر لازم بدانند لفظ دوائر اضافه میشود

**رئیس** - مذاکرات گویا کافی باشد - آقای مدرس پیشنهادی کردند اگر قابل توجه شد کمیسیون رجوع میشود

(پیشنهاد مدرس بمضمون ذیل قرائت شد)  
پیشنهاد میکنم ماده دوم چنین نوشته شود کلیه ادارات مذکور در ماده فوق مستقیماً در تحت ریاست و مسئولیت وزیر مالیه خواهند بود

**رئیس** - اصلاح عبارتی دارد و يك لفظ مسئولیت اضافه کرده اند

**سردار معظم مخبر** - چون مقصود جزئی است رجوع فرمایند بکمیسیون

**رئیس** - اگر مخالفتی نباشد جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده روز شنبه سه ساعت بزروب خواهد بود دستور هم مذاکرات در قانون تشکیلات مالیه و رسیدگی باعتبار نامه های راجع آقای میرزا همی خان و آقای حاج اعتبار السلطنه خواهد بود مجلس تقریباً یکساعت از شب گذشته ختم شد

**جلسه ۲۹**

**صورت مشروح مجلس روز شنبه نهم شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۳**

مجلس تقریباً یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای دکتر اسمعیل خان مؤدب السلطنه نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز پنجشنبه هفتم قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقای حاج امام جمعه - حاج میرزا شمس الدین - حاج شیخ اسمعیل

غائبین با اجازه - آقای ارباب کیخسرو آقای ناصر الاسلام

**نایب رئیس** - ملاحظاتی در صورت مجلس نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد مذاکرات امروز در بقیه قانون تشکیلات مالیه است مطابق راپورت کمیسیون

(ماده سوم از پیشنهاد وزیر مالیه بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده سوم - ادارات مزبور هر يك در تحت ریاست یک نفر رئیس بوده بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت باستثنای مجلس مشاوره عالی که ترتیب آن در ماده (۵۰) مذکور است

( راپورت کمیسیون قوانین مالیه بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده سوم - ادارات مزبوره هر يك در تحت ریاست یک نفر رئیس بوده بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت به استثنای مجلس مشاوره عالی که ترتیب آن در مواد (۵۴) و (۵۵) مذکور است

**حاج شیخ اسدالله** - بنده تصور میکنم اگر اینجا يك لفظی اضافه شود بهتر است زیرا که ادارات بعضی دوائر دارند و اسمی از آن دوائر برده نشده است باید نوشته شود در تحت ریاست يك نفر رئیس بوده بقدر لزوم دوائر و اجزاء خواهند داشت

**سردار معظم مخبر** - مقصود این نیست که ادارات را منقسم بدوائر بکنند و تقسیمات او را معین نمایند مقصود این است که این ادارات هر يك در تحت ریاست یک نفر خواهد بود و البته بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت

**حاج امیر نظام** - بنده هیچ مضر نمیدانم بقیه و متمم عرایض پریروز خودم را که با شتاب نمره عرض کرده بودم مجدداً عرض کنم و آن اینست که در این ماده نوشته شده است اجزاء بقدر لزوم و بحکم تجربه ما دیدیم در این ۳ سال هر قانونی که از مجلس گذشته ناچار حقوق اجزاء منوط بود به آمدن بودجه در مجلس ولی هیچوقت ندیدیم بودجه به مجلس بیاید همینکه آن قانون از مجلس گذشت هر رئیس بمناسبت همین لفظ (باندازه لزوم) برای خودش اجزائی تشکیل داده و مخارج مالیه ما از صد هزار تومان بچهار کرور رسید در این ۳ سال تمام

ادارات مالیه در حقیقت راجع بخزانه داری بود و حالا که بچند قسمت منقسم شده است تصور میکنم هر يك از روسای آن ادارات تصور خواهند کرد لفظ بقدر لزوم يك اندازه ایست که باید همان قدری که خزانه داری برای تمام تشکیلاتش اجزا لازم داشت اینها برای يك دائره یا يك اداره اجزا حاضر کنند بنده عرض میکنم مالیه و ثروت مملکت ما مقتضی این همه خسارت و مخارج نیست باین جهت بنده هیچ مضر نمی بینم که وزیر مالیه همه اشخاص را که باید در این اداره مستخدم شوند با بودجه حقوق آنها را همین زودی بکمیسیون بودجه بیاورد که از يك مخارج فوق العاده که ثروت مملکت ما اجازه آن را نمیدهد محفوظ بمانیم

**معلل الدوله** - این فرمایشاتی که نماینده محترم کردند بنظر من اگر دقت فرمایند این تشکیلات و این ادارات يك چیزی نیست که تازه احداث شود و يك چیزی نخواهد که از نو بخواند تاسیس کنند و در این قانون هم اسم برده نشده است که این تاسیسات را از نو تجدید کنند تا باعث تمدد اجزاء و ازدیاد مخارج شود برای اینکه در اداره خزانه داری که تا (۲۶) حوت بود و قانون آن نسخ شد همین ادارات با اسم خزانه داری با يك عده اجزاء زیاد و يك حقوق غیر مناسب بی اندازه موجود بود و حالا هم همان ادارات است که از خزانه داری تقسیم و مجزی میشود و مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود و تفاوت خرج از برای ما خیلی خواهد بود یعنی از حیث تنزل و اهدا اضافه خرج پیدانمیشود بلکه از روی اطلاعاتی که شخصاً دارم وزارت مالیه قریب هفت ماه است کمیسیونی تشکیل داده در بودجه مالیه دقت میکنند و يك تفاوت کلی در تقلیل مخارج برای ما پیدا شده است گمان میکنم بعد از اینکه آگاه شوند که این ادارات و تشکیلات تازه نیست و همان اداره خزانه داری است که اسامی مختلف دارد آنوقت قانع خواهند شد که این ماده مضر نیست و هیچ محتاج نخواهیم بود که صورت اجزاء را بیاورند و بودجه مرکزی وزارت مالیه هم حاضر است گمان میکنم عنقریب بمجلس بیایند و خیلی از برای دولت مقرون بصرفه خواهد بود

**سلیمان میرزا** - چنانکه در جلسه قبل بعرض آقایان رسانیدم در وزارت مالیه هم اداره موجود است و هم دائره اینجا هم مثل ماده دوم نوشته شود ادارات و دوائر مذکور هر يك در تحت یک نفر رئیس بوده زیرا اگر نوشته شود ماده ششم يك چیز غریبی میشود زیرا که در ماده ششم ذکر شده است رؤسای دوائر ادارات مذکور پس باید در اینجا اسمی از رؤسای دوائر برده شود بواسطه اینکه همانطور که اداره رئیس دارد دائره هم رئیس دارد و در خصوص خرج هم که اظهار فرمودند اختیار مطلق با مجلس است وقتی بودجه ها بمجلس آمد بکمیسیون بودجه رجوع میشود و کمیسیون بودجه و مجلس آنقدری را که زیاد میدانند تصویب نخواهند نمود

**مخبر** - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

با وجود این تصور میکنم که اگر مقصود اصلاح عبارتی باشد پیشنهاد کنند می پذیرم

**نایب رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله پیشنهادی در این موضوع کرده اند قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبارت اینقسم نوشته شود بقدر لزوم دوائر واجزاء خواهند داشت

**مخبر** - بفرستند بکمیسیون اصلاح میشود

**نایب رئیس** - مذاکرات در اینجا کافی است ماده چهارم قرائت میشود

(ماده چهارم لایحه وزیرمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ( ۴ ) - رؤسای ادارات مذکور در فقره ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ ماده اول مطابقت پیشنهاد وزیر مالیه بصورت فرمان هایبونی منصوب میشوند .

**حاج عزالممالک** - راپورت کمیسیون هم تقریباً همین ماده لایحه وزیر است .

ماده ۴ - رؤسای ادارات مذکور در فقرات ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ ماده اول بر حسب پیشنهاد **نایب رئیس** - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)

(ماده پنجم لایحه وزیر باین مضمون قرائت شد)

ماده پنجم - مدیر دایره پرسنل و ملزومات وزارت مالیه بر حسب حکم وزیر مالیه منصوب میشوند (ماده پنجم راپورت کمیسیون)

ماده پنجم - رئیس ادار پرسنل و ملزومات وزارت مالیه بر حسب حکم وزیر مالیه منصوب میشوند

**حاج شیخ یوسف** - در ماده اول در قسمت هشتم دائره پرسنل نوشته و در این جا رئیس اداره نوشته شده است گمان میکنم اشتباه قلمی شده است

**رئیس** - اداره را باید رئیس دایره نوشت

**سردار معظم** - بلی اشتباه قلمی شده است اصلاح میشود

**آقای شیخ یحیی** - بمقیده بنده بهتر است رئیس اداره پرسنل بر حسب حکم اهلبحضرت هایبونی منصوب شوند

**حاج شیخ اسدالله** - اینجا یک سهو عبارتی شده است و تصور میکنم باید اصلاح شود باید نوشته شود رئیس دایره پرسنل و ملزومات وزارت مالیه بر حسب حکم وزیر مالیه منصوب می شود و اینجا (می شوند) نوشته شد

**سردار معظم** - از برای اینکه بواسطه یک سهو عبارتی اینقدر خود را معطل نکنند همین ماده را میخوانم

ماده پنجم - رئیس دایره پرسنل و ملزومات وزارت مالیه بر حسب حکم وزیر مالیه منصوب می شوند (ماده ششم از لایحه وزیرمضمون ذیل قرائت شد)

مدیران دوائر ادارات مذکور بصورت رئیس اداره و حکم وزارتی منصوب میشوند (ماده ششم راپورت کمیسیون)

ماده ششم - رؤسای دوائر ادارات مذکور به پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی منصوب می شوند .

**عدل الملک** - وقتیکه مذاکرات در کلیات میشد اداره وصول و جمع را میخواستند از هم مجزی باشند و تقاضا میکردند کفیر از خزانه داری یک اداره جمعی تأسیس بشود آن پیشنهاد را بنده عملی نمیدانستم برای اینکه مأمورین وصول امانی مالیه هستند که در ولایات فرستاده می شوند و در تحت ریاست مستقیم کسی هستند که علت ناصبه آنها است یعنی کسی که آنها را نصب کرده است در این ماده می نویسد رؤسای دوائر و ادارات مذکور به پیشنهاد رئیس اداره تعیین می شوند اگر این طور باشد باید مأمورین وصول در تحت اداره متبع خودشان واقع بشوند و معلوم نیست آنها در تحت ریاست کدام اداره عزل و نصب آنها با کی خواهد بود این مسئله ایست که اغلب معایب از آن ناشی شده است بنده گمان میکنم برای نصب مدیرهای دوائر و ادارات خوب است قدری زیادتیر توسعه داده شود که در تحت ریاست آنکسکه او را تعیین میکنند باشد مخصوصاً مأمورین وصول در تحت نفوذ آنکسکه تصدیق امر ایصال است واقع شوند .

**سردار معظم** - اینکه مفره ایست معلوم نشده است مأمورین وصول جزو کدام اداره هستند و عزل و نصب آنها چه نحو خواهد بود و در اینجا مقصود از ماده ششم رؤسای دوائر ادارات مرکزی است که در فوق ذکر شده است ممکن است دوائر وسعت و یک دوائر کوچک داشته باشند آنوقت باید بگوئیم که رئیس اداره کل حق دارد هر کس را که دلش میخواهد بتواند ریاست دوائر منصوب کند در این صورت بملاحظه اینکه مبادا زیاد تر از آنچه که لازم است اختیارات داده شده باشد در ضمن تعیین رؤسای دوائر و ادارات نظر رئیس اداره محدود شده باشد و از طرف دیگر چنانچه در تمام عالم معمول است باید رئیس اداره اینقدر مداخلت در تعیین رؤس خود داشته باشد

لهذا مقید باین قید گردیم که رئیس اداره بوزیر مالیه پیشنهاد بکند یعنی نظر رئیس شرط باشد و رؤسای دوائر بانظر او بر حسب حکم وزیر مالیه منصوب شوند وزارت مالیه هم بتواند پیشنهاد او را تصویب نکند و رد نماید از این جهت بنده تصور میکنم که آقای عدل الملک هرچه به نظرشان میرسد بفرمایند ولی در کمیسیون هرچه فکر کردیم راهی بهتر از این پیدا نشد مگر اینکه بگوئیم رؤسای دوائر هم با دستخط و فرمان هایبونی معین شوند و رئیس یک اداره جزئی را مطلقاً بر رئیس یک اداره در عرض هم فرض کنیم و البته این ترتیب هم صحیح نیست و البته در آن صورت اگر آقای عدل الملک زیادتیر خواهد شد

**حاج امیر نظام** - عرض بنده اینست اگر در موضوع اول بفرمایم صحبت بکنیم این جایز اینجا نیست در موقع خودش مذاکره خواهد شد ولی مضر نمی دانم لفظی را که می گفتند نوشته شود

**معلل الدوله** - باید خاطر آقایان را متذکر شوم که ما حالا راجع به تشکیلات مرکزی مذاکره میکنیم و هیچ کس در وصول و ایصال در آنها نیست مأمورین وصول که پیشنهادان مالیه که معصیان مالیه باشند در

تشکیلات ولایات ذکر میشود و مسام است اجزاء جزه را رئیس پیشنهاد میکند ولیکن چون رئیس را وزیر انتخاب میکنند بموجب فرمان هایبونی و تصویب وزیر انتخاب شود همان رئیس چون مسئولیت دارد اجزائی را که با خود میبرد بوزیر مالیه پیشنهاد میکند و وزیر حکم میدهد و همان اجزاء جزء در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود منتها بواسطه و این یک ترتیب اداری است که نمیشود از آن تجاوز کرد زیرا که استخدام یک ترتیبی دارد و باید رؤسای کل ادارات اجزاء جزئی را که لازم دارند بوزیر پیشنهاد کنند و وزیر حکم میدهد که ترتیب اداره مرتب باشد و اجزاء جزء یک اداره را نمیشود در حکم رؤسای کل فرض کرد زیرا مسئولیت را از کسی نمیتوان خواست که در صلاحیت اجزاء خود نظرش مداخلت داشته باشد و بتواند بگوید صلاح کار خود را در این می بینم که این آدم باشد و تصور میکنم موافق ترتیب اداره مرتب نوشته شده است و حالا هم راه وصول مالیات مذاکره نمیکنیم وقتیکه باین موضوع رسیدیم نظریات خودمان را خواهیم گفت

**عدل الملک** - اینجا دوتا مداخله شد آنطوری که آقای مخبر فرمودند مقصود این بود مذاکره کردند که رئیس ادارات مرکزی مقصود است بسیار خوب ممکن است از این مطلب در مذاکره اسماک می کنیم ولی باعطف نظر بماده (۷۱) دارای مفاد است اینکه می فرمایند که این مطلب از مطالب اداری و لازم الیه است عرض میکنم اگر در نظر داشته باشید تمام شکایات برای این بود که مأمور جمع و خرج متعدد باشند بسیار خوب بنده هم باین مسئله معتقدم و البته در موقع تشکیلات ولایات مذاکره خواهد شد

**مخبر** - برای مزید اطلاع خاطر آقای عدل الملک تکرار میکنم که این قانون راجع بر مرکز است مربوط به ولایات نیست این ماده شش را که فرمودند رای دولت است و ممکن است همین طور قبول کنیم و لفظ ( مرکزی ) به این ماده اضافه شود

**نایب رئیس** - آقای آصف الممالک پیشنهادی کرده اند قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم اینطور نوشته شود رؤسای دوائر و کدر اداره مذکور است بپیشنهاد رئیس اداره بحکم وزارتی منصوب میشوند

**نایب رئیس** - آقای مخبر قبول میکنند ؟

**مخبر** - این اصلاح عبارتی است اصلاح میشود

**نایب رئیس** - مذاکرات گویا کافی است ماده هفتم قرائت میشود

(بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده هفتم - دایره وزارتی مشتمل است بر وزیر مالیه معاون و یا مدیر کل وزارتخانه و کابینه وزیر

**سلیمان میرزا** - بنده از این مدیر کل مقصود کمیسیون را هنوز نتوانسته ام استنباط کنم زیرا که اگر در ماده اول ملاحظه فرمایند می بینند سه مدیر کل معین شده مدیر کل اداره تشخیص مدیر کل خزانه داری مدیر کل محاسبات در اینجا که نوشته است مدیر کل وزارتخانه یعنی چه؟ بلاطه بنده هیچ تصور نمیکنم این طور صحیح باشد زیرا وزارت

خانه باید مجبوراً معاون داشته باشد و بموجب قانون اساسی وزیر یا معاونش باید در مجلس حاضر شوند در مقابل سؤال یا استیضاح و مسکلا جواب بدهند مدیر کل را مجلس نمیشناسد ممکن است یک وزیر همیشه خودش بیايد بمجلس ولی اگر حاضر نشود باید حتماً معاون داشته باشد اگر معاون نداشته باشد نمیتواند مطابق قانون اساسی مدیر کل را بمجلس بفرستد در این صورت بنده تصور میکنم مدیر کل در اینجا موقع نداشته باشد بلاطه این مدیر کل وقتی که مدیر کل است در عداد آن سه مدیر کل است هیچ مزیت و برتری ندارد اما اگر معاون بود البته مزیت داشت بشنود بنده این لفظ مدیر کل اینجا موقع ندارد

**مخبر** - اولاً شاهزاده تصدیق میفرمایند در موقعی که قانون میگردد تعیین آتی نمی نماید این مدیر کل هم در عرض یک نفر مدیر کل خوانده نشده است و همین جهت میخواستیم که اسم مطلق رئیس بنویسیم و حق میخواستیم کلمه مدیر دایره پرسنل را تغییر بدهیم و بنویسیم رئیس اداره پرسنل و به نظر خود وزیر و اگر گذار کنیم که هر رتبه برای هر کس میدانند معین کند

اما اینکه قانون اساسی را مثل آورده اند بنده خیال میکنم مربوط باین مسئله نیست قانون اساسی راجع باین است که چه اشخاصی حق دارند بمجلس وارد شوند در این ماده هیچیک از آن ترتیبات سلب نشده است از طرف دیگر وقتی که قانون نوشته میشود حتی الامکان باید طوری نوشته شود که دایره اش خیلی تنگ نباشد و بالاخره کسیکه وزیر یک وزارتخانه است خیالاتش بی جهت محدود نشود چنانچه در ضمن عمل هم دیدیم در بعضی مواقع که حالا نمیخواهم اسم ببرم در وزارت اوقاف در عرض معاون مدیر کل بود و هیچ هم مقید نبودند که وقت بمجلس نمی آید خود وزیر حاضر میشود منتها این است که مدیر کل از یک اشخاصیکه اطلاعاتشان زیاد تر است انتخاب میکنند و کار های اداری را اداره میکنند حالا اینجا اگر بر حسب نظر شاهزاده می نوشتیم آنوقت یک وزیر میدانست عرض یک معاون که حالا مصطلح است یک مدیر کلی که از کار های اداری مطلع و آگاه است بنویسیم و میگفت برای کارهای داخلی یک همچو آدمی را لازم داریم چنانچه در وزارت جنگ و وزارت داخله و در وزارتخانه های دیگر هم گاهی اینطور بود چون بعضی وزراء هستند که شاید لازم نمیدانند معاون داشته باشند برای اینکه وزیر مختار باشد که اگر بخواهد معاون معین کند و اگر لازم بدانند عرض او مدیر کل معین نماید این طور نوشته شده و الا این مسئله در قانون اساسی مصرح است و مدیر کل نمیتواند بمجلس بیاید اگر چه در کار اداری کاملاً با اطلاع و بصیر باشد در این صورت کمیسیون لازم دانست در قانون این اختیار را به وزیر بدهد اگر مقتضی دانست مدیر کل داشته باشد و الا اگر او را مکلف میکردند هر دو را داشته باشد یعنی هم معاون و هم مدیر کل یک اشکال اقتصادی وارد میشد و برای یاد آوری شاهزاده عرض میکنم که در قانون تشکیلات وزارت معارف

برعکس کلمه معاون هیچ نیست و در آنجا مدیر کل نوشته شده است

**سلیمان میرزا** - آقای مخبر محترم مدقت در عرض بنده نفرمودند و الا خودشان راجحت نمیدانند بنده هم بی اطلاع نیستم که بعضی از وزارتخانه ها معاون ندارد بلی بعضی از وزارتخانه ها مدیر کل دارند یکی از آنها وزارت داخله است که عرض یکی ۳ مدیر کل دارد بلی این فکر را کردند که بلکه در تشکیلات وزارت داخله معاون نداشته باشد بعد عملاً دیدند درست نیست و مجبور شدند که هم مدیر کل داشته باشند هم معاون یا این عبارت نارسا است یا بنده ملتفت نشیو بوقتی که اینجا می نویسد اداره کل تشخیص هایدات آنوقت طبیعتاً مدیر آنهم مدیر کل خواهد بود

وقتیکه می نویسند اداره کل خزانه داری طبیعتاً مدیرش مدیر کل خزانه داری خواهد بود اگر آقای مخبر یا کمیسیون نظرشان بر این است که برای وزارتخانه مدیر بنویسند و اسم آنرا مدیر کل بگذارند پس خوب بود لطف بفرمائید لغت کل را از تمام این ۳ قفره حذف نمایند و بنویسند اداره مسکوکات و خالصجات اداره خزانه داری اداره محاسبات مالیه و الا وقتی که کلمه کل همراهش بود طبیعتاً مدیر آن اداره مدیر کل خواهد بود و الا بنده هم چندین از تشکیلات مالیه بی اطلاع نیستم و برای اینکه بیشتر زحمت ندهم عرض میکنم که کلمه کل را حذف کنند

**مخبر** - فقط عرض میکنم عبارت رسا است باقیش را عرض نمیکنم

**نایب رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله فرمایشی دارید ؟

**حاج شیخ اسدالله** - بنده تصور میکنم که شاهزاده در اینجا اشتباهی کرده اند اولاً همان قسمی که آقای مخبر فرمودند لفظ مدیر کل در آن ادارات نبوده حالا بر فرض که باشد منافی نیست با این مدیر کل یعنی مضاف الیه این را باید به بینیم چه چیز است مثلاً می نویسند مدیر کل اداره تشخیص هایدات ریاستش نسبت بهمان اداره است و همچنین راجع اداره خزانه و مدیر کل محاسبات مضاف الیه آنها خزانه و محاسبات است وقتی که بطور اطلاق و بدون مضاف الیه گفته شد مدیر کل فوق آن مراتب خواهد بود ولی در سایر ادارات لفظ کل را محدود میکنند بمضاف الیه آن ها که اداره محاسبات باشد یا اداره تشخیص هایدات باشد یا اداره خزانه باشد ولی وقتیکه بطور اطلاق گفته شد یکمرتبه فوق آن مراتب خواهد بود و عملاً هم که معین است مثل اینکه حضرت والای فرمایند در وزارت داخله چند مدیر کل دارد مدیر کل جنوب مدیر کل شمال مدیر کل غرب و یک مدیر کلی هم دارد که دیگر اختیاراتش محدود نیست و مرتبه اش فوق آنست و بلاطه تصور میکنم آنقدر مذاکره کردن در یک لفظی اهمیت ندارد و همین قسمی که در اینجا نوشته شده است معاون یا مدیر کل خیلی خوب است بجهت اینکه برای یک وزارتخانه یک مدیری بیايد معاونی لازمست و همین قسمی که فرمودند مقرون به اقتصاد است و منافی با هیچ چیز نیست و همین طور که اینجا نوشته شده است یعنی یکی از آنها باشد

مهتر است و هیچ وزیری هم مجبور نیست معاون داشته باشد می فرمایند قانون اساسی تصریح دارد که معاون برای سؤال و جواب در پارلمان حاضر می شود درست است لیکن باید تصدیق بفرمایند تشکیلاتی در ضمن قانون اساسی نوشته نشده است هر وزارت خانه که معاون داشته باشد عوض وزیر بمجلس می آید و اگر معاون نداشته باشد خود وزیر مجبور است برای سؤال و جواب در مجلس حاضر شود مدیر کل هم یک اختیاراتی دارد غیر از اختیارات معاون و تکلیفات او هم از تکلیفات معاون است

**نایب رئیس** - مذاکرات گویا کافی است ؟

ماده هشتم قرائت میشود

(ماده مزبور از لایحه وزیر به مضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۸) - اصول وظایف وزیر مالیه از قرار ذیل است

(۱) - نظارت در اجراء قوانین و نظامنامه های مالیه خزانه داری و مراقبت در عمل کردن بوظایفی که برای هر یک از ادارات و تأسیسات مالیه معین گردیده است

(۲) - جلوگیری از تجاوزات و تفریط مالیه مملکت

(۳) - امضای کلیه حوالجات مستقیم و اعتباری

(۴) - تهیه لایحه بودجه و لایحه تفریح بودجه برای تقدیم مجلس شورای ملی

(۵) - تهیه لوایح قانونی راجع بمالیه مملکت و ترتیب نظامنامه های لازمه

(۶) - امضاء قراردادهای امتیازنامه ها و کتیرات هاراجع بمالیه مملکت در حدود مقرر قانون

(۷) - جلب مأمورین وزارت مالیه بمحکمه اداری بواسطه تصدیقات اداری

(۸) - انعقاد مجلس مشاوره عالی برای معاکمه مأمورین مالیه و امضاء معاکمات مالیه

(۹) - اجراء راپورت های محکمه مالیه و مجلس مشاوره عالی و پس از امضای راپورت های مذکور

(ماده هشتم از راپورت کمیسیون نیز بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۸ - اصول وظایف وزیر مالیه از قرار ذیل است

(۱) - نظارت در اجرای قوانین و نظامنامه های مالیه و اداری که مراقبت در ایفاء بوظایفی که برای هر یک از ادارات و تأسیسات مالیه معین گردیده است

(۲) - جلوگیری از تجاوزات و تفریط مالیه مملکت

(۳) - امضاء کلیه حوالجات مستقیم و اعتباری

(۴) - تهیه لایحه بودجه کل و لایحه تفریح بودجه برای تقدیم مجلس شورای ملی

(۵) - تهیه لوایح قانونی راجع بمالیه مملکت و ترتیب نظامنامه های لازمه

(۶) - تصویب قراردادهای امتیازنامه ها و کتیرات ها راجع بمالیه مملکت در حدود مقرر قانون

(۷) - جلب مأمورین وزارت مالیه بمحکمه اداری بواسطه تصدیقات اداری

(۸) - انعقاد مجلس مشاوره عالی برای معاکمه



مأمورین مالبه و امضاء معاملات مالبه (۹) - اجرای رایورتهای محکمه مالبه و مجلس مشاوره عالی پس از امضای رایورتهای مذکوره

**نایب رئیس** - در جزء اول ماده هشتم مخالفی هست؟ (اظهاری نشد) (جزء دوم قرائت شد)

**نایب رئیس** - در جزء دوم مخالفی هست؟ (اظهاری نشد) (جزء سوم قرائت شد)

**آقا سید فاضل** - چون حوالجات مستقیم و اعتباری که وزیر مالبه باید امضا کند بعد از تصویب و تصدیق کمیسیون تطبیق حوالجات است خوب است این عبارت اضافه شود.

(امضاء کلیه حوالجات مستقیم و اعتباری بعد از تصدیق کمیسیون تطبیق)

**حاج عز الممالک** - به عقیده بنده هر جزئیاتی را نباید در قانون نوشت امضاء حوالجات مستقیم و اعتباری بعد از تصدیق کمیسیون تطبیق هیچ لزومی ندارد و الا چه طور باید آن حوالله نوشته شود یا حواله چه شکل باشد پس تمام آن ها را باید ما در این ماده بنویسیم در اینجا فقط بوزیر حق می دهیم یعنی غیر از وزیر کسی نمیتواند حواله را امضا کند البته باید این قانون بطور کلی این حق را به وزیر بدهد و چه شکل حواله صادر میشود و درجات قانونی را چه طور باید طی کند تا پرداخته شود همین قانون معین خواهد کرد.

**مخبر** - استدعا میکنم آقا ماده (۴۰) را مطالعه فرمایند

**حاج شیخ اسدالله** - بلی وظایف وزیر را در ضمن فقرات چند گانه این قانون معین کرده و بعد از تصویب این قانون حدود و اختیارات وزیر معین است که در اینجا نوشته شده دیگر هیچ اختیاراتی ندارد بعد در ضمن تشکیلات یک اداراتی هم دارد که در اینجا نوشته شده و تأسیس میشود که آنها هم یک اختیاراتی دارند اختیارات و وظایف آنها هم در ضمن همان فقراتی که خوانده میشود معین می گردد لیکن یک فقره است که بنده به آن خیلی اهمیت میدهم در ضمن هیچیک از این تشکیلات و ادارات آنرا ذکر نکرده و آن امضاء مراسلات است که از وزارت خانه صادر می شود مثلا مکاتباتی از ولایات یا مرکز به وزارت خانه میرسد اینجا می نویسد وظیفه وزیر فقط امضاء کلیه حوالجات مستقیم و اعتباری است پس مراسلاتی که از وزارتخانه ها صادر میشود کمی باید امضاء کند وزیر امضاء میکند یا اختیارات با ادارات میدهد که خود آن ادارات مستقیماً آنها را امضاء کند و از وزارتخانه خارج شود اگر چه در اداری نظر این عرض بنده مطلب بی و قرنی به نظر میاید ولی در ضمن عملیات بعد از این خواهیم دید که دچار چه اشکالات خواهیم شد زیرا مثلاً راجع بشکایاتی که میشود و یا مکاتباتی که بوزارت مالبه میرسد چنانچه است یا راجع به تشخیص عایدات است یا راجع به مالیات یا راجع بحسابات یا راجع بحاکمات است اینها لابد باید مستقیماً بکابینه وزارت میاید و از کابینه وزارت می به اداراتش منقسم بشود اگر هر آنجا ما

ادارات را مستقل بدانیم و بگوئیم خود آن ادارات در جواب این شکایات و مکاتبات مستقل باشند و روسای آنها امضاء کنند و از وزارتخانه ها خارج شود و بنظر وزیر نرسد تصور میکنم یک قدری اطلاعات وزیر مالبه را کم میکند بلی بعضی فقرات است که راجع بسؤال است و مطالب سهلی است که خود ادارات میتوانند جواب بدهند و اطلاعات وزیر در آنها آنقدر اهمیت ندارد ولیکن بعضی از مطالب است که راجع به تصدیق عایدات دولت است مثلاً یک شخصی شکایت میکند که فلان ده من امسال بواسطه آفت و خسارت فوق العاده هائیدی ندارد و تقاضای تحقیقی میکنم این لابد ابتدا باید رود اداره تشخیص عایدات آنجا یک تحقیقاتی میکنم چون با اداره محاسبات که نمیتواند برود پس لابد با اداره تشخیص عایدات باید برود حالا به آنهم کار نداریم بهر اداره که مرجع امر است میرود آن هم یک تحقیقاتی میکنند و یک جوابی میدهد

مثلاً یک دفعه صد خروار دویست خروار هزار خروار خسارت وارد آمده آن اداره جواب میدهد که بواسطه این آفت و خسارتی که بمالک شما وارد آمده تخفیف داده میشود آیا باید این را وزیر مطلع شود و بنظر وزیر برسد یا نرسد؟

بنده تصور میکنم این مطلب یکی از مطالبی است که باید وزیر سابقه پیدا کند و از این مطالب اطلاع داشته باشد این است که بنده تفکیک میکنم میان آن مکاتبات جزئی که از وزارت مالبه صادر میشود و آن مکاتباتی که راجع بزاید و نقیصه مالبه دولت است این را باید شخص وزیر امضاء کند و سابقه آن را بداند و اطلاع پیدا کند

اما مکاتبات دیگر که راجع بسؤال است و بعضی تحقیقات دیگر است که اهمیت ندارد اختیار آنها را باید بغير ادارات داد و آنها را مختار کرد که جواب را مستقیماً رئیس اداره امضا کند و از کابینه خارج شود و زاید اوقات وزیر را مستغرق و نظرش را برای خاطر امضاء کردن مراسلات متفرق این است که بنده همچو بنظر میآید باین عبارت که در اینجا نوشته شده یک قدری توسعه داده و این طور نوشته شود (امضاء کلیه حوالجات مستقیم و اعتباری و کلیه احکام صادره که متضمن زاید و نقیصه در جمع یا خرج دولت باشد).

اگر این عبارت اضافه شود آنوقت آن اشکالی که بنظر بنده میآید رفع میشود هم ادارات یک اختیاراتی خودشان دارند در مراسلات در غیر فقره زاید و نقصان عایدات و هم وزیر راجع بزاید و نقیصه هم وقتی که از یک اداره جوابی بیک نفر ارباب رجوع میدهد مسبق و مطلع میشود اینرا بنده خیلی اهمیت میدهم حالا دیگر راجع بنظریات آقای مخبر است میخواهند قبول میفرمایند نمیخواهند رد میکنند

**سر دارم معظم** - یک قسمتی از فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله راجع بوظیفه تازه بود که برای وزیر معین میفرمودند خوب بوظیفه وزیر مالبه را قبلاً خیر میکردند که او هم نظریات خودش را بگوید پس از آن پیشنهاد میکردند اگر مجلس قابل توجه میباشد راجع میشد بکمیسیون قوانین مالبه و الا اینجا حرف در این است که آیا حوالجات که راجع به کمیسیون تطبیق حوالجات است آنرا وزیر باید

سید فاضل موافقت کرد در متمم این قسمت این عبارت را بنویسند یعنی این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلبی قیام نمودند)  
**نایب رئیس** - تصویب نشد پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله قرائت میشود

به مضمون ذیل قرائت شد  
بنده پیشنهاد میکنم که این عبارت اضافه شود و کلیه احکام صادره از ادارات و وزارت مالبه که متضمن زاید و نقیصه در جمع یا خرج دولت باشد

**نایب رئیس** - آقایانیکه این پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله را قابل توجه میدانند قیام نمایند

**حاج شیخ اسدالله** - عرض دارم **نایب رئیس** - توضیحی دارید بفرمائید **حاج شیخ اسدالله** - آقای مخبر فرمودند که این مسئله راجع باین ماده نیست بنده در همین فقره اشکال دارم و عرض میکنم این فقره ناقص است بلی امضای حوالجات مستقیم و اعتباری را باید وزیر بکنند و امضای وزیر منحصر باین رشته نیست بلکه باید امضای دیگر هم بکنند که آن راجع باشد به زاید و نقیصه که راجع به عایدات دولت پیش خواهد آمد و اگر هر آنجا اینجا این مطلب ذکر شود آنوقت اختیارات و زیر مطابق این تشکیلات محدود میشود و حق امضای آن نوشتجات را ندارد برای اینکه آن ادارات را این

قانون مستقل کرده است و نوشتجاتی که بوزارتخانه میآید با اداره میرود و خودش باید آن کار را صورت بدهد دیگر بنظر وزیر نباید برسد راجع به نظامنامه داخلی هم نیست این مطلب یک مطلب اساسی است هر چیزیکه راجع به زاید و نقیصه عایدات دولت باشد باید بامضای وزیر باشد نظامنامه داخلی چیز های دیگر را باید مرتب کند نظامات داخلی را باید معین کند نه مطالب اساسی را بنده اینرا خیلی اهمیت میدهم و باید نوشتجاتی که از ادارات صادر میشود و راجع بزاید و نقیصه خرج دولت است آنرا به بنده و مسبق باشد و امضا کند تا آنکه یک اداره خودش سر خود یک هائیدی بربک محلی تحمل نکند و یک تخفیف بی موقع و بی محل ندهند و اگر این اختیار را بوزیر ندهیم آن اداره مستقل خواهد شد و وزیر خودش مطلع نخواهد شد و عرض میکنم که بنده باین مطلب خیلی اهمیت میدهم و وزیر باید در اینگونه امور مسبق باشد

**نایب رئیس** - آقای مؤید الاسلام مخالف بودم ولی بتوضیح آقای مخبر قانع شدم **آقا سید فاضل** - بنده عرض میکنم اینکه میفرمائید تمام جزئیات را در قانون نمیتوان ذکر کرد هر مطلبی جزئی نیست و جزئیات مختلف است و بعضی از آنها خیلی مهم است که درجه اهمیتش از کلیات هم میگردد مثل همین ماده در اینجا مخبر فرمودند ماده (۴۰) رجوع شود باین ماده رجوع شده است کما اینکه در وظایف کمیسیون تطبیق حوالجات ترتیب قبلیت را مراعات نموده است و می گوید تصدیق آنها قبل از رسیدن بامضای وزیر است در این ماده هم بنده تصور میکنم بعد از این باید ملاحظه بکنند باین معنی که امضاء وزیر بعد از تصدیق و تصویب کمیسیون نوشته شود

**عادل المملک** - بنده عرض میکنم یک قانون که دارای مواد متعدد است در هر جزء آن نباشد تمام جزئیات آن بند را ذکر کرد وقتی که قانون را نگاه میکنم مواد مکتونه آنرا هم باید ملاحظه کنند اینک اینجا فلان را اضافه کنند و آنجا را نقیصه را زیاد کنند لازم نیست هر قانونی هما بنظریکه شرط قانون گذاری است باید دارای مواد و بندهائی باشد که مثل زنجیر مطالب را بهم ربط بدهد و این جزئیات لازم نیست در قانون نوشته شود

**نایب رئیس** - گویا آقایان مذاکره را کافی میدانند آقا سید فاضل پیشنهادی کرده اند قرائت می شود

(به مضمون ذیل قرائت شد)  
بنده پیشنهاد میکنم این عبارت ملحق شود (بعد از تصدیق کمیسیون تطبیق)

**نایب رئیس** - آقای مخبر تصویب میکنند؟ **مخبر** - رای بگیری **نایب رئیس** - آقایانیکه باین پیشنهاد آقا

وزیر مالبه چون مسئول وزارتخانه خودش است و قبول کردن باید دارای اختیاری باشد و یکی از مسائل معلوم اختیار داشتن وزیر مالبه مسئول البته حق نظر داشتن در کلیه ادارات مالبه است که در تحت ریاست مستقیم او قرار داده اند و حق ریاست هم لازم است داشتن حق امضاء است اینها یک مسائل واضحی است که لازم به توضیح نیست و این قبیل مطالب در نظام نامه داخلی است و باین جهت بنده عرض میکنم و تکرار میکنم که اینطور نیست که آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند

**نایب رئیس** - پیشنهاد قرائت می شود رای میگیریم

(مجدداً قرائت شد)  
**نایب رئیس** - مذاکرات گویا کافی باشد آقای حاج شیخ اسدالله توضیح دادند آقای مخبر هم جواب دادند آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)  
**نایب رئیس** - تصویب نشد جزء چهارم از ماده هشتم قرائت میشود

**عادل المملک** - بنده عرض می کنم مسئولیت ها در موارد مختلفه نوشته شده در دوازدهم فقره دوم تهمیه و تنظیم بوده و لایحه و تفریح بوده را با اداره محاسبات محول کرده است در این فقره تهمیه لایحه بوده را بعهده وزیر تشخیص داده اند و این ترتیب تفکیک در مسئولیت می کند و اسباب زحمتی میشود بنده گمان میکنم برای اینکه محاسبات کاملاً موظف تهمیه بوده میباشد باید در اینجا نوشته شود مراقبت در امر بوده که مسئولیت بین وزیر و اداره محاسبات مشترک نباشد و اسباب زحمتی نشود

**حاج عز الممالک** - بنده کل نوشته شده است برای اینکه بنده تمام وزارتخانه ها باید در وزارت مالبه جمع شود و بنده عایدات را هم وزیر مالبه تنظیم میکند و تقدیم مجلس شورای ملی نماید منتها خود وزیر مالبه البته شخصاً نمی تواند متصدی این امر بشود در یک اداره این امر صورت بگیرد آن اداره چه اداره ایست البته باید ما در وظایف یکی از ادارات بنویسیم این است که با اداره محاسبات کل تقویض شده است که تنظیم بوده مخصوص با اداره محاسبات باشد تهمیه بوده کل یکی از وظایف عمده وزیر است که بتوسط آن اداره تهمیه خواهد شد

**حاج شیخ اسدالله** - اینجا می فرمایند که تهمیه بوده و با لایحه تفریح بوده از وظایف وزیر است و آن وقت می فرمایند وزیر خودش تهمیه نمی کند و راجع میکنم با اداره محاسبات میخوانم آقایان را متذکر کنم که این ماده وظایف وزیر را معین میکند شخص وزیر وظایفش تهمیه بوده نیست شخص وزیر باید مراقبت بکنند اگر می فرمایند وزیر مسئول است بلی وزیر مسئول عملیات تمام این ادارات است پس وظایفی که برای اداره تشخیص عایدات می نویسد آنرا هم از وظایف خود وزیر بنویسد وظایف دیگری هم که از اداره محاسبات معین کرده اند آنرا هم جزء وظایف خود وزیر بنویسند اینجا خیلی اشتباه شده است در اداره محاسبات شخص رئیس مسئول است که تهمیه لایحه بوده را بنمایند وزیر وظیفه اش مراقبت کردن است در عملیات

هم نیستند **نایب رئیس** - جزء پنجم قرائت میشود **حاج شیخ اسدالله** - بنده پیشنهادی دارم که نقطه مراقبت در اینجا زیاد شود خوب است قرائت شود (بمضمون ذیل قرائت شود) بنده پیشنهاد میکنم که لفظ مراقبت زیاد شود **مخبر** - برای اطلاع آقایان ماده هفتم قانون محاسبات عمومی را میخوانم ماده هفتم - همه ساله هر وزیر باید بودجه مخارج وزارتخانه خود را برای سه آتیه حاضر نموده در ظرف ۳ ماه اول سال بوزارت مالبه بدهد چنانچه ملاحظه میفرمایند تهمیه بوده را از وظایف وزیر می نویسد ولی مسئول او وزیر مالبه است که در مواد بعد خواهد آمد وزیر مالبه مکلف و مسئول تهمیه بوده کل ملک است اگر در این قانون تشکیلات مالبه یک وظیفه برای وزیر دیگری که در عرض هم بودند معین میشد آنوقت در آن اشتراک مسئولیت پیدا میشد ما در ضمن این قانون وظایف وزیر را معین میکنیم و میگوئیم مکلف است به تهمیه بوده نه مراقبت در آن حالا فرق نمی کند چه خودش تنها به نشیند و بنده را بنویسد چه با اداره محاسبات رجوع کند مقام مقتنه خود وزیر را مسئول تهمیه بوده میدانند ولی برای اینکه معلوم شود در وزارت مالبه کدام اداره صلاحیت دارد که مراقبت در امر بوده بنمایند یعنی بتواند در عملیات بوده مراجعه کند در قانون اداره محاسبات معین شده است اگر درست دقت بفرمایند در اینجا می نویسد تهمیه بوده فرق است مابین تهمیه بوده با لایحه بوده آن عملیات را اداره محاسبات کل می کند ولی بنده کل را خود وزیر تهمیه کرده به مجلس تقدیم میکند باین جهت بنده عرض میکنم این مسئولیت را کوچکتر و سست تر تصور نفرمایند و بعقیده بنده خوب است در قانون بطور صراحت تهمیه بوده کل یکی از وظایف مختصه وزیر باشد **نایب رئیس** - مذاکرات گویا کافی باشد آقایانیکه پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلبی قیام نمودند)  
**نایب رئیس** - قابل توجه نشد - در جزء پنجم از ماده هشتم مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) مخالفی نیست جزء ششم از ماده هشتم قرائت میشود



(ثانیاً قرائت شد)

**حاج شیخ یوسف** - بنده از جناب مخبر محترم توضیح میخواهم که مقصودشان از کتراتها امتیاز نامه های راجع بمالیه چه چیز است

**مخبر** - مقصود معلوم است لازم نیست توضیح مفصل بدهم البته وقتیکه گفته میشود تصویب قرارنامهها و امتیاز نامهها و کتترات نامهها راجع بمالیه ممکن است کلامه مالیه را بدو مقصود فهمید یکی عمومی و یکی بمعنی خصوصی اگر بخواهیم بمعنی عمومی بفهمیم البته يك مطلب خیلی مهمی است و يك وظیفه خیلی خیلی مفصلی برای وزیر مالیه معین کرده ایم

اختیاراتی که مربوط میشود بساير وزارتخانهها آن اختیارات را ندارند زیرا هر قرار دادی يك قسمتش راجع به پول است مقصود کمسیون از امضاء قرار دادها و امتیازات و کتتراتهای خصوصی است که مستقیماً مربوط بمالیه مملکت است و آن قرار دادهائی که جزء ضمیمه راجع بدولت و قسمت اعظمش برای مملکت است البته از وظیفه وزیر مالیه خارج است

ما بفرض میخواهیم فلان مقدار نقره بخریم و يك قرار دادی با يك كسیکه فلان مقدار نقره برای ما وارد کند بگذاریم البته این قرار نامه باید از روی يك کتتراتی بسته شود و مستقیماً راجع بمالیه است یعنی يك خرجی بر مالیه مملکت تحمیل میشود و در ضمن يك هایداتی هم برای مملکت فراهم میکند

امضاء این قبیل کتترات البته از وظایف وزیر مالیه است باین جهت مقصود از امضاء قرار داد کتترات نامهها این قبیل کتترات است

**مدرس** - از این فقره گویا در پیشنهاد وزیر امضا نوشته شده و در کمسیون امضاء را تبدیل به تصویب کرده اند گمان نمیکنم این لفظ تصویب بوقوع باشد بجهت اینکه تصویب وزیر در قرار نامه و امتیاز نامه و کتترات با پیش از تقدیم بمجلس است یا بعد اگر قبلاً از تقدیم بمجلس است ابتدا این تصویب نموی ندارد یعنی مورد ندارد اگر بعد از تصویب بمجلس است باز تصویب وزیر محل ندارد و گمان میکنم همانطوری که وزیر پیشنهاد کرده اند که امضاء قرار نامهها و کتتراتها و امتیاز نامهها آن لفظ امضاء بهتر از تصویب است

**نایب رئیس** - آقای شریعتدار مخالفید ؟

**شریعتدار** - خیر پیشنهادی است عرض کردم توضیح را هم آقا دادند

**محمد هاشم میرزا** - اینکه آقای مدرس میفرمایند تصویب وزیر قبلاً از تقدیم بمجلس است یا بعد از تقدیم بمجلس موضوع مذاکره در آن کتتراتهای نیست که وظیفه مجلس است که قبلاً از آمدن بمجلس تصویب کند یا بعد از آمدن بمجلس وظیفه مجلس در قانون اساسی مصرح است و مقصود کتترات و امتیاز نامهها بعضی چیز های جزئی است بطوری که آقای مخبر هم اشاره کردند از قبیل سیم کشی تلگراف و یا مسکوکات نقره است این قبیل مطالب است که وزیر مالیه میتواند ترتیب دهد و به نظر هیئت وزراء برساند

لهذا نوشته شده است به تصویب وزیر مالیه اینها يك چیزهای جزئی است که باید وزیر مالیه امضاء کند که آن کار را بکنند مثلا يك معلمی اگر برای دارالفنون لازم شود و بخواهند کتترات کنند البته

وزارت معارف نظریاتش در اینجا اهمیت دارد و وزارت مالیه در آن قسمتیکه مستقیماً راجع به خود او است مداخله خواهد کرد که برای هر مطلب جزئی که راجع به يك اداره است دوچار اشکالات نشویم و اسباب عدم سرعت جریان امور فراهم نشود بنا بر این همانطور که نوشته شده است صحیح است هیچ ضرر ندارد

**حاج شیخ اسدالله** - تصور میکنم شاهزاده محمد هاشم میرزا اشکال را قدری زیادتیر کردند میفرمایند تصویب قرار نامهها و کتترات نامهها لازم نیست که بمجلس بیاید بنده عرض میکنم که این یکی از کارهای اساسی و از وظایف مختصه مجلس است اما اینکه میفرمایند بعضی مطالب کوچک و جزئی است در این قانون نوشته نشده همین قسم بطور کلی مینویسد تصویب قرار نامهها و کتتراتها در حالتیکه وظایف مجلس است در قانون اساسی هم مصرح است که بدون اطلاع مجلس وزیر نمیتواند تصویب بکند پس در اینصورت بهتر این بود که بگوئیم مطابق قانون مقرر یعنی پس از تصویب مجلس گمان میکنم این طور بنویسد بهتر است

**محل الدوله** - اگر آقا باینکه راجع به تشکیلات مالیه میخواهند دقت نظر بکنند يك قدری عطف در امور جاریه و امر مالیه بنمایند رفع اشکالات بهتر خواهد شد و آن يك اصل و اساس خیلی مهم دارد و بواسطه اینکه قرار دادهائی که در وزارت مالیه بسته میشود بدو قسمت میشود يك قرار دادهای خارج از بودجه مقرر چه راجع به عایدات چه راجع به مخارج آن مسلماً و محققاً تصویب و تصدیق وزیر مالیه را لازم دارد ولی باید آنرا بمجلس تقدیم کند و تمام مجلس رای ندهند آن خرج مقرر خواهد بود و آن جمع و اما يك قسمت دیگرش در حدود بودجه است که از مجلس گذشته مثلا یکی از آقایان نمایندگان این ماده قانون را تمیز کردند بعضی مطالب جزئی یعنی که قرار داد های جزئی وزارت مالیه تصویب میکنند و حال آنکه اینطور نیست ممکن است خیلی هم مهم باشد چنانچه مخبر کمسیون يك مثالی آورد راجع بمعاملات ضرابخانه که مسلماً وقتیکه قانون بودجه از مجلس بگذرد معین است تعیین شده است که سالی مثلا شش کروڑ تومان در ضرابخانه نقره سکه شود این نقره البته خرید خواهد شد و عایداتش هم در خزانه جمع شده و مصارفش هم معلوم است این يك عملی است که باید وزیر مالیه این مقدار نقره را خریداری کند این معامله البته مستلزم يك قرار دادی با بعضی تجار یا با بعضی صرافها است بدیهی است این مسئله از مجلس گذشته است بجهت اینکه بوزیر مالیه اعتبار داده است که فلان مقدار نقره خریداری نماید پس این قرار داد را وزیر مالیه تصویب میکند و البته لفظ تصویب جامع امضاء هم هست و لفظ تصویب حکماً امضاء را هم متضمن است و کمسیون دقت کرده است که يك عبارت جامعی پیدا کند و لفظ تصویب را اصلاح دانست چون در این صورت ممکن بود در يك کاری که گذشته وزیر امضاء کند برای اینکه يك همچو کاری بدون اطلاع وزیر از وزارت مالیه نگذرد کمسیون لفظ امضاء را صحیح ندانست و کلمه تصویب را پیدا کرد مسئله از برای حمل غلغله از اطراف تهران برای انبار غلغله دولتی

ماده دهم - وظایف معاون یا مدیر کل و کابینه وزیر بر حسب نظامنامه داخلی وزارتخانه معین میشود

(ماده نهم راپورت کمسیون)

ماده نهم - وظایف معاون یا مدیر کل بر حسب نظامنامه که در کمسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی تصویب خواهد شد معین میشود

**نایب رئیس** - در ماده نهم مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد) یکبربع تنفس است (عدم حضار برای تنفس خارج و پس از یازده دقیقه مجدداً مجلس تشکیل گردید)

**نایب رئیس** - ماده دهم قرائت میشود (ماده لایحه وزیر)

ماده دهم - اصول وظایف اداره تشخیص عایدات بقرار ذیل است

(۱) تشخیص و تهیه جزه و جمع نقدی و حسن کل مالیات مستقیم که فعلاً معامله میشود

ترتیب جزو جمعهای مذکور بطوریکه میزان کل مالیات و فروعات و تقسیم آن بر ایالات و ولایات و بلوکات و قراه و حتی امکان بر افراد مالیات بدیه معین باشد

(۲) تهیه صورت کل مالیات دو ساله برای تسلیم صورت مزبوره با اداره خزانه داری برای وصول

(۳) طبع و انتشار صورت کل مالیات هر ساله برای اطلاع مالیهات دهندگان در مرکز و ولایات

(۴) تهیه دستور العملهای راجع بمالیاتها

(۵) تشخیص تحقیقات دائمی و موقتی

(۶) تهیه لوایح و وسائل لازمه برای میزبانی ها و اقدام بانها پس از تصویب مقامات لازمه

(۷) دادن تصدیقات مالیاتی مودیانیکه مطالبه تشخیص بدیهی خود را مینمایند

(۸) حفظ تبر و باندرل و تحویل آن بخرزانه و سایر ادارات مربوطه

(۹) اداره کردن خالصجات و امور راجع به ضرابخانه

(۱۰) دادن اطلاعات مربوطه بمالیاتهای مستقیم نقدی و جنسی و عایدات دولتی از خالصجات و ضرابخانه با اداره محاسبات کل برای تهیه بودجه

(ماده دهم راپورت کمسیون)

ماده دهم - اصول وظایف اداره کل تشخیص عایدات بقرار ذیل است

(۱) تشخیص و تهیه جزه جمع نقدی و حسن کل مالیات هائی که تا کنون معمول بوده و یا بعداً ترتیب جزو جمعهای مذکور بصورتی خواهد بود که میزان کل مالیات و فروعات و تقسیم بر ایالات

ماده نهم - وظایف معاون یا مدیر کل و کابینه وزیر بر حسب نظامنامه داخلی وزارتخانه معین میشود

(ماده نهم راپورت کمسیون)

ماده نهم - وظایف معاون یا مدیر کل بر حسب نظامنامه که در کمسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی تصویب خواهد شد معین میشود

**نایب رئیس** - در ماده نهم مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد) یکبربع تنفس است (عدم حضار برای تنفس خارج و پس از یازده دقیقه مجدداً مجلس تشکیل گردید)

**نایب رئیس** - ماده دهم قرائت میشود (ماده لایحه وزیر)

ماده دهم - اصول وظایف اداره تشخیص عایدات بقرار ذیل است

(۱) تشخیص و تهیه جزه و جمع نقدی و حسن کل مالیات مستقیم که فعلاً معامله میشود

ترتیب جزو جمعهای مذکور بطوریکه میزان کل مالیات و فروعات و تقسیم آن بر ایالات و ولایات و بلوکات و قراه و حتی امکان بر افراد مالیات بدیه معین باشد

(۲) تهیه صورت کل مالیات دو ساله برای تسلیم صورت مزبوره با اداره خزانه داری برای وصول

(۳) طبع و انتشار صورت کل مالیات هر ساله برای اطلاع مالیهات دهندگان در مرکز و ولایات

(۴) تهیه دستور العملهای راجع بمالیاتها

(۵) تشخیص تحقیقات دائمی و موقتی

(۶) تهیه لوایح و وسائل لازمه برای میزبانی ها و اقدام بانها پس از تصویب مقامات لازمه

(۷) دادن تصدیقات مالیاتی مودیانیکه مطالبه تشخیص بدیهی خود را مینمایند

(۸) حفظ تبر و باندرل و تحویل آن بخرزانه و سایر ادارات مربوطه

(۹) اداره کردن خالصجات و امور راجع به ضرابخانه

(۱۰) دادن اطلاعات مربوطه بمالیاتهای مستقیم نقدی و جنسی و عایدات دولتی از خالصجات و ضرابخانه با اداره محاسبات کل برای تهیه بودجه

(ماده دهم راپورت کمسیون)

ماده دهم - اصول وظایف اداره کل تشخیص عایدات بقرار ذیل است

ماده نهم - وظایف معاون یا مدیر کل و کابینه وزیر بر حسب نظامنامه داخلی وزارتخانه معین میشود

(ماده نهم راپورت کمسیون)

ماده نهم - وظایف معاون یا مدیر کل بر حسب نظامنامه که در کمسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی تصویب خواهد شد معین میشود

**نایب رئیس** - در ماده نهم مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد) یکبربع تنفس است (عدم حضار برای تنفس خارج و پس از یازده دقیقه مجدداً مجلس تشکیل گردید)

**نایب رئیس** - ماده دهم قرائت میشود (ماده لایحه وزیر)

ماده دهم - اصول وظایف اداره تشخیص عایدات بقرار ذیل است

(۱) تشخیص و تهیه جزه و جمع نقدی و حسن کل مالیات مستقیم که فعلاً معامله میشود

ترتیب جزو جمعهای مذکور بطوریکه میزان کل مالیات و فروعات و تقسیم آن بر ایالات و ولایات و بلوکات و قراه و حتی امکان بر افراد مالیات بدیه معین باشد

(۲) تهیه صورت کل مالیات دو ساله برای تسلیم صورت مزبوره با اداره خزانه داری برای وصول

(۳) طبع و انتشار صورت کل مالیات هر ساله برای اطلاع مالیهات دهندگان در مرکز و ولایات

(۴) تهیه دستور العملهای راجع بمالیاتها

(۵) تشخیص تحقیقات دائمی و موقتی

(۶) تهیه لوایح و وسائل لازمه برای میزبانی ها و اقدام بانها پس از تصویب مقامات لازمه

(۷) دادن تصدیقات مالیاتی مودیانیکه مطالبه تشخیص بدیهی خود را مینمایند

(۸) حفظ تبر و باندرل و تحویل آن بخرزانه و سایر ادارات مربوطه

(۹) اداره کردن خالصجات و امور راجع به ضرابخانه

(۱۰) دادن اطلاعات مربوطه بمالیاتهای مستقیم نقدی و جنسی و عایدات دولتی از خالصجات و ضرابخانه با اداره محاسبات کل برای تهیه بودجه

(ماده دهم راپورت کمسیون)

ماده دهم - اصول وظایف اداره کل تشخیص عایدات بقرار ذیل است

و ولایات و بلوکات و قراه و حتی امکان بر افراد مالیات بدیه معین باشد

(۲) تهیه و تسلیم صورت کل مالیات هر ساله برای وصول بجایهای مربوطه

(۳) طبع و انتشار صورت کل مالیات هر ساله برای اطلاع مالیهات دهندگان در مرکز و ولایات

(۴) تهیه دستور العمل ها و نظامنامه های راجع بمالیاتها

(۵) تحقیق و تشخیص تحقیقات دائمی و موقتی برای پیشنهاد کردن بمقامات لازمه

(۶) تهیه لوایح و وسائل لازمه برای میزبانی ها و اقدام بانها پس از تصویب مقامات لازمه

(۷) دادن تصدیقات مالیاتی مودیانیکه مطالبه تشخیص بدیهی خود را مینمایند

(۸) حفظ تبر و باندرل و تحویل آن بخرزانه و سایر ادارات مربوطه

(۹) اداره کردن خالصجات و امور راجع به ضرابخانه

(۱۰) دادن اطلاعات مربوطه بمالیاتهای نقدی و جنسی و عایدات خالصجات و ضرابخانه و قیره با اداره محاسبات کل برای تهیه بودجه

(۱۱) تعیین عایدات دولت که صاحب جمع مخصوص نداشته و بموجب امتیازات و قرار دادهای دولتی میرسد و داد صورت آنها بخرزانه برای وصول

**شیخ الملک** - بنده لازم میدانم که در تلو ماده دهم در ضمن جمله (مالیهات هائی که تا کنون معمول بوده) توضیحی بخواهم و برای خاطر آقایان عرض میکنم که من با اصل ماده دهم موافق هستم لیکن میخواهم بدانم بعد از این که این قانون تصویب شد بصرف همین جمله (مالیهات هائی که تا کنون معمول بوده است) قناعت کرد یا آنکه باید دانست که مالیاتهای قدیم از چه قبیل هستند البته آقایان تصدیق خواهند فرمود که قسمتی از مالیاتهای معموله که امروز در ایالات و ولایات تاجال معمول بوده از روی يك ترتیب عادلانه نبوده و اساس آنها بر اجعافات و تعدی بوده است که برود بصورت مالیات در آمده چنانچه در کرمان بر حسب اطلاعی که دارم باسم مالیات بمنابین مختلفه تعدی بر عایدات بیچاره میکنند مثلا در بلوکات از کسانیکه مطلقاً مالک چیزی نیستند و باید بقله گی و ... گری و مشاغل بست روزانه بکف آورده با بایالاتشان زندگانی میکنند هر ساله از هفت الی ۱۳ تومان بعنوان سرشماری مطالبه و مأخوذ میدارند

متأسفانه از زنهائی هم که در بلوک به پیشه و پیشه رسی لقمه نانی بکف میآورند از هر نفر سالی ۱ تومان سرشماری بگیرند و بنای این ستم و تعدی از چند سال قبل است که نایب الحکومه

(رابر) يك کوهی از کوه های آنجا که زیره داشته قرق کرده است که زنها نروند زیره بچینند و فقط بيك لقمه از مرد وزن اجازه داده است که بروند زیره جمع نمایند و هر مردی نیم من وزنی یا نوزده سیر زیره به نایب الحکومه تسلیم نمایند بعد از آن سال نه کوه زیره قرق شد و نه آن جماعت از اهالی رابر زیره بچینند

معهدا از همان زمان قیمت آنقدر زیره را گرفته اند و سال بسال بر مبلغ افزوده اند تا کنون که اغلب زنان آن سامان مبلغی دریافت مینمایند

**حاج شیخ اسدالله** - بنده بآن نظریه که آقای شیخ الملک داشتند و باین شرح و بسط بیان نمودند بنده آن نظر را ندارم نظر بنده در اینجا نیست در اینصورت که این قانون از مجلس شورای ملی بگذرد

و از آنوقت تا کنون از اولاد واحفاد آنها مبلغی باسم مالیات زیره مأخوذ داشته اند همچنین بکنفر علی نامی ناظر و حکومت داشته و متعدی بوده است در یکی از بلوکات اهالی آن بلوک يك یولی باسم مالیات زیره جمع کرده دادند بکنفر کرمان که او معزول شود از آنوقت تا کنون گرفتن این پول مرسوم شد کم بشما بلوکات دیگر هم سرایت کرد و مبلغی بعنوان پول علی ناظری از مردم بیچاره میگيرند و همچنین بعنوان مهمانی که زبان از گفتنش شرم دارد و ابتدا گمان ندارم احدی از نمایندگان تصدیق فرمایند که باین عنوانات که معمول بوده از رعایای بیچاره وجهی دریافت دارند بصورتی که بطور تحقیق معین شده است که این پول بدولت هم نمیرسد بنده لازم میدانم در فقره اول از ماده دهم که می نویسد (تشخیص و تهیه جزه جمع نقدی و جنسی کل مالیات هائی که تا کنون معمول بوده الی آخر تا اینجا که مینویسد حتی امکان بر افراد مالیات بدیه معین باشد قید شود که بعد از تعدیل و میزبانی

**مخبر** - داخل در اصل مطلب آقای شیخ الملک نمیشوم و نمیگویم يك همچو چیز هائی معمول بوده یا نبوده متأسفانه باید عرض کنم چهاره جوئی او از وظیفه این ماده خارج است برای اصلاح این قبیل مسائل استقرار هر مالیاتی بر حسب يك لایحه است که از مقامات مقتضه میگردد پس مو کول میشود بيك لایحه مخصوصه مربوط بآن مالیات برای جلوگیری این قبیل تعدیات و این قبیل مالیات هائی که آقای شیخ الملک فرمودند يك راهی است و آن بودجه است این فرمایشات را باید در موقعیکه بودجه کل عایدات در مجلس میآید بفرمایند که این فقره از عایدات که نوشته شده است زیادی است و بر مردم تعدی میشود و اساس این مالیات غلط است و نباید گرفت این اشکال ایشان شاید رفع شود بيك راه دیگری که دارد این است اگر چه گمان میکنم در اساس مالیات کسی اشکال نداشته باشد و پول سرشماری که میگيرند باید گرفته شود منتها چیزیکه هست بگویند بطور تساوی گرفته شود همین قسم سایر مالیاتها و رام اصلاح آنها همی است بنده تصدیق مالیات هائی که تا بحال معمول بوده است صحیح نبوده است ولی همه اینها بواسطه اینست که مدتها است تعدیل میزبانی نشده شاید آن موارد و آن تادالی که باید ملحوظ شود چندان در عمل مجری نشده ولی چنانکه عرض کردم اینجا جای اصلاح نیست و اگر مانده بخواهیم برای اداره کل تشخیص عایدات و تهیه جز و جمعها وظایفی قرار بدیم آنوقت وجود این اداره لغو بود از يك طرف دیگر باید تصدیق بفرمایند که در قانون تشکیلات ما نمیتوانیم داخل در تشخیص انواع مالیاتها بشویم آنوقت بگوئیم جزو جمع مالیات هائی که ما مشروع میدانیم و موافق اساس عدالت میدانیم آنها را تهیه کنند در اینصورت لیاقت هائیکه با نظر ما مخالفت دارند در موقعیکه لایحه میزبانی یا بودجه کل عایدات به مجلس میآید آنوقت اگر نظری دارند بفرمایند

**حاج شیخ اسدالله** - بنده بآن نظریه که آقای شیخ الملک داشتند و باین شرح و بسط بیان نمودند بنده آن نظر را ندارم نظر بنده در اینجا نیست در اینصورت که این قانون از مجلس شورای ملی بگذرد

و از آنوقت تا کنون از اولاد واحفاد آنها مبلغی باسم مالیات زیره مأخوذ داشته اند همچنین بکنفر علی نامی ناظر و حکومت داشته و متعدی بوده است در یکی از بلوکات اهالی آن بلوک يك یولی باسم مالیات زیره جمع کرده دادند بکنفر کرمان که او معزول شود از آنوقت تا کنون گرفتن این پول مرسوم شد کم بشما بلوکات دیگر هم سرایت کرد و مبلغی بعنوان پول علی ناظری از مردم بیچاره میگيرند و همچنین بعنوان مهمانی که زبان از گفتنش شرم دارد و ابتدا گمان ندارم احدی از نمایندگان تصدیق فرمایند که باین عنوانات که معمول بوده از رعایای بیچاره وجهی دریافت دارند بصورتی که بطور تحقیق معین شده است که این پول بدولت هم نمیرسد بنده لازم میدانم در فقره اول از ماده دهم که می نویسد (تشخیص و تهیه جزه جمع نقدی و جنسی کل مالیات هائی که تا کنون معمول بوده الی آخر تا اینجا که مینویسد حتی امکان بر افراد مالیات بدیه معین باشد قید شود که بعد از تعدیل و میزبانی



در این ماده که می نویسد تشخیص تهیه جزو جمع نقدی و جنسی که معمول بوده است این یک زمینه است از برای مالیاتهای کشور که شروع بکنند بگرفتن بنده نمیدانم که مقصودشان جزو جمعهاست است که از قدیم تا حال معمول بود است و یا نظرشان باین مالیاتهای جدیدی است که تازه در ولایات معمول شده است تهیه و تشخیص اینها هم کار خیلی مشکلی است برای خاطر اینکه از قراریکه شنیده میشود یکزمینه معینی امروز برای مالیات مستقیم در دست نیست سابق یک ترتیبی داشت و یک جزو جمعهاست معمول بود مطابق آن جزو جمعها عمل میکردند ولی حالا در این چندسال بکلی اساس آن در همه جا تغییر کرده است مثل اینکه مکرر وزیرمالیه از خزانه داری صورت خواست و جواب داده است که صورت جزو جمع صحیح نداریم بنده نمیدانم پس از چه قرار عمل میشود از همان قراریکه پیشکاران از پیش خودشان رفتار میکنند اگر این ترتیب باشد بنده تصور میکنم خیلی کار مشکل میشود و نوشتن این قانون خیلی اسباب زحمت است فرضاً این تشکیلات کدر اینجا نوشته میشود باید زمینه بدست اداره تشخیص عایدات داده شود که آن اداره از روی آن زمینه عمل کند و لایحه برای صورت جزو جمع تهیه کند و فراری برای عایدات نقدی و جنسی بدهد در ابتدای مجلس یعنی در دوره اول یک حکمی کردند که تفاوت عمل که معمول بوده است و حکما از ولایات میگرفتند جزو اصل مالیات گرفته شود این ترتیب را معمول داشته و بطور اختلاف میگرفته اند تفاوت عمل هم گداه معین نشده است ولی یک صورتی از بعضی جاها داده شده است اگر مقصودشان آن صورت و آن جزو جمعها است در ضمن این ماده باید نوشته شود و تکلیف اداره تشخیص عایدات معلوم باشد که از روی چه زمینه جزو جمعها را تهیه کند و با منای مالیه در ولایات دستور بدهد که آنطور رفتار کنند خواهش میکنم که آقای مخبر در این شور قدری دقت کنند که وقتی این قانون به کمیسیون بر میگردد یعنی در شور ثانی در کمیسیون یک زمینه معین بفرمایند که امتیای مالیه از روی همان رفتار کنند

هیچ مالیاتی گرفته نمیشود مگر از روی یک قانونی حالا بعضی هاتعدیات شده یا اجافاتی بناها کرده اند آن اشخاص باید تنظیم کنند و بهمان ترتیبی که گفتیم محکمه اش در وزارت مالیه موجود است رؤسای مالیه اگر تجاوزاتی از حدود قانون کرده باشند از پس دادن پول یا مجازاتهای دیگر بپردازد که لازم است آن مجازات در باره آنها مجری میشود ولی نسبت به تشخیص اینکه بفرمایند معمول بوده یا یک چیزهای جدیدی است یا اینکه امتیای مالیه از طرف خودشان سر خود میگیرند بقیه بنده منظور نظر دولت با کمیسیون هیچک از اینها نبوده و مقصود اینست که جزو جمعها یکبار بیشتر معمول بوده و دفاتر دولتی و مستوفیها داشته معلوم بوده است که مالیات بده چه باید بدهد و دولت چه باید بگیرد منتها در یک جا میصوبت نبوده برای اینکه بدانیم چقدر باید مالیات بگیریم مبنایی متوسل بآنها بشویم ؛ بنابراین این اداره را مخصوص میکنیم باینکه جزو جمعها را تشخیص بدهد ؛ چنانچه در مواد بعد ملاحظه خواهید فرمود همان صورتهای را طبع میکنند و توزیع میکنند تا افراد مالیات بده بدانند چقدر باید مالیات بدهد و برای امتیای مالیه هم بفرستند تا آنها هم بدانند چقدر مالیات بگیرند و بطوری شود که این اداره جزو جمعهای مملکت را بطور واضح یعنی هم بطور که تصریح شده است از روی قسمت باایالات و ولایات و قراء معین کنند که دیگر اشکالی ما بین افراد مالیات بده و رؤسای مالیه و مأمورین مالیه پیدا نشود حالا فرضاً اگر مأمورین مالیه در بعضی نقاط نیست بعضی مالیاتهای است که معمول بوده تمدنی میکنند بقیه بنده همین اداره مکلف خواهد بود از این ترتیب جلو گیری کنند یعنی مالیات هائی را قبول کند که تا بحال معمول بوده نه اینکه اساسی نداشته باشد و اسباب اختلاف حقیقی مابین افراد مالیات بده و دولت فراهم شود این اداره مالیاتها را تشخیص میدهد که اگر فرضاً یک اختلافی پیدا شد همین که بدفتر قدیم رجوع کنیم میتوانیم چه مالیاتهای مردم باید بدهند اگر اختلافی مابین دولت و مالیات بده پیدا شده همان محاکماتی که ما تشکیل دادیم با سند قدیم و جزو جمعها رجوع میکنیم و بالاخره معلوم شد که تشکی آن مالیات بده صحیح است یا اینکه از روی هوا و هوس آن شکایت را کرده است بقیه بنده بدو جهت ناچار بودیم از اینکه یک چنین ماده معین کنیم و مرض میکنم در اینجا ممکن نیست بتوانیم معین کنیم چه مالیاتهای را تشخیص بدهند یا چه مالیاتهای را تشخیص ندهند در اینصورت مبنایی بود که مملکت را بنویسیم و این ترتیب و این جزئیات باید در ضمن تهیه بود چه عایدات که وزارت مالیه حتماً باید تهیه کند و بمجلس شورای ملی بیاورد معلوم شود امروز در موقعی که وظایف یک اداره را تعیین میکنیم نمیتوانیم بنویسیم که اوچه مالیاتی را می تواند معین کند و چه مالیاتی را نمیتواند

**حاج شیخ اسدالله** - بنده خودم تصدیق دارم متخص در امر مالیه نیستم ولیکن فرمایشات آقای

حاج هزالمالك هم تصور نمیکند يك زمينه بدست بدهد اگر نظرشان باین است که آن جزو جمعهای قدیم را معمول کنند و میزان تشخیص عایدات جزو جمعهای قدیم باشد باید خودشان تصدیق کنند که امروز نمیتوانند مدرک تشخیص عایدات قرار بدهند برای اینکه در آن جزو جمعها يك تغییراتی در این طول زمان پیدا شده که بعضی از محلها که جزو جمعهای قدیم دورت داده بکلی مخروبه و معدوم شده است اگر هم مخروبه نشده است تنزل کرده است يك معنی بوده است که سالی هزار خروار یاده هزار خروار عایدی داشته حالا بواسطه بعضی حوادث بصد خروار رسیده مطابق آن جزو جمع قدیم اگر تشخیص بدهند که از آن محل صد خروار یا هزار خروار مالیات بگیرند تصور میکنم خیلی بی انصافی باشد و هیچ تخصص تصدیق نکند و همچنین نیست به بعضی از مغلهها که در جزو جمعهای قدیم اصلاً ذکر نشده است و در این سنوات يك مالیاتی دولت معمول کرده و از آنها الان میگیرد در صورتیکه در جزو جمعهای قدیم مدرک تشخیص قرار دهند هیچ نمیتوان او را مدرک قرار داد بواسطه اینکه اختلافات کلی دارد و يك مورد دو مورد نیست بلکه موارد زیادی دارد و خیلی اسباب اختلاف خواهد شد و دولت دوچار اشکالات می شود پس او را نمیتوان مدرک قرار داد و اگر بخواهند عمل این سنوات را مدرک تشخیص قرار بدهند عمل این سنوات هم عرض کردم معلوم نیست و هیچ زمینه بدست نمیدهد خزانه دار کل که صورت کل عایدات را نمیدهد و صریحاً میگوید نمیدانم که هر محلی میزان عایداتش چقدر است آنچه شنیدم این است که هر قدر صورتی از او میخواهند رجوع میکنند بامتیای مالیه و سؤال میکنند که شما در آنچه چه عمل کردهاید آنچه آنها صورت میدهند آن را بوزیر مالیه میدهند و يك مدرک و میزانی دست نیست که از روی او اداره تشخیص عایدات بتواند تشخیص بدهد بنده تصور میکنم کمیسیون باید يك فکر اساسی در این ماده بکند که هم اسباب زحمت برای مردم و اسباب اشکال برای دولت فراهم نشود و هم اسباب نقصان مالیه مملکت نشود و اگر بخواهند بکلی تشخیص را واگذار کنند به نظرمین رئیس اداره تشخیص عایدات که هر چه او تشخیص کرد بدون مدارک از روی جزو جمع قدیم یا عمل کرد جدید تشخیص بدهد این هم مشکل است که يك همچو اختیارات تامه باو داده شود که هر چه او تصدیق کند معمول شود و بنده حال محاکمه او چه شکل خواهد شد مدرک آن چه چیز است معلوم نیست این است که بنده الان هر چه فکر میکنم که در این ماده چه اظهار عقیده کنم متعجب هستم مگر اینکه وزیر مالیه توضیحی بدهد و متخصصین مالیه در اینجایک اظهار عقیده بکنند

**معالل الدوله** - برای اینکه آقای حاج شیخ اسدالله درست مسوق شود بنده بکفتری توضیح میدهم مطلب دو تا است یکی آن اظهاراتی که آقای شیخ الملك فرمودند و آنچه انتظار داشتم آقایان دفاع کنند جواب ندادند و این است سکه خودشان در آخر مطلب تصدیق کردند که اطلاع دارند آنچه گرفته میشود عاید دولت نمیشود درست در این عبارت دقت کنید این اجافاتی که بنوان

مالیات مباشرین مالیه در این مدت در این مملکت کرده اند هیچ فرق ندارد بآن جرائمی که بعنوان عمالیه می کردند زیرا در هر نقطه که ماعدا به مرتب نداریم و یا نداشته ایم بعنوان عدالت و محاکمه ظلم و تعدی می کردند این هم شبیه بهمان است امیدواریم وقتی که قانون تشکیلات مالیه گذشت و اداره تشخیص عایدات وظایف خودش را انجام داد بکلی رفع اجافات و ظلم و تعدی که هیچ کوشی نمیتواند بشود بشود اما در موضوع این مسئله بعضی از آقایان عقیده شان این بود عبارتی اضافه شود و حاج شیخ اسدالله تردید داشتند و چون مبهم است انسان نمیتواند درست تشخیص بدهد

مالیات يك ماخذ مقررى دارد و يك فروعاتى دارد که ماخذ آنها در مرکز مرتب و مدون است و بدون استثناء اضافاتی که حکومت معامله می کرد و آن اضافات را بلوکت و بعضی ولایات جمع و واگذار کرده اند و تقسیم آن فروعات بر معملهای معین به تشخیص و نظریه کارکنان مالیه بوده پس این فروعات اصلی که معین است يك سند است که همیشه در دست دولت بوده و علاوه بر این هر چه گرفته می شود غیر معمول میتوان فرض کرد و يك اجافاتی بوده است اما راجع باین قسمتی که بعضی مالیاتهای جزو اضافه شده نمیتوانم عرض بکنم درست تقسیم شده است زیرا در بعضی از ولایات بعضی مالیاتها هست که سالهای دراز است معمول میشده و دارای جزو جمع نبوده و از برای آنها تاکنون اداره خزانه داری تهیه بعضی جزو جمعها ناقص نموده ولی يك قسمت بزرگ مملکتی از چهل ولایت شاید چهار یا پنج ولایت جزو جمع مرتب ندارد باقی دیگر تمام جزو جمعهاشان در مرکز مرتب است تفاوتهاى که در این سنوات حاصل شده است و خزانه داری مداخله کرده این تفاوتها را معین و برای تقدیم به مجلس بکمیسیون بوده دادند و يك مبلغی هم اضافه بر آن اضافات خزانه داری در تحت يك عنوان و تصمیمی که از طرف وزراء شده بود راجع باخذ ماخذ هشر معین نموده و در خصوص اینکه آنچه هائی که معلوم الاثر است باز مالیات میگیرند یا خیر این قانون پیش بخی بخی کرده است و اگر فقره پنجم معین لایحه را که وظیفه همین اداره را معین میکنند مطالعه فرموده باشند خواهند دید که تشخیص تخفیفات موقتی و تخفیفات دائمی را بعهده این اداره واگذار کرده اند یعنی اداره جزو جمعها را در دست بگیرد و از آن قرار تشخیص میدهد مسلم است که پیش خود هر چه تشخیص داد قابل اجراء نخواهد بود مگر اینکه وزیر مالیه امضاء کند جزو جمعها را این اداره تهیه میکند و وزیر مالیه امضاء خواهد کرد و اگر چنانچه يك مالیاتی با این اسامی که ذکر شد دید در صورت جزو جمع نوشته شده است هر گز امضاء نخواهد کرد و ممکن است این صورت جزو جمعها يك جزئی اختلافی با واقع داشته باشد یعنی اداره مالیه در بعضی جاها موفق نشده است که از روی قاعده جزو جمعها را معلوم بکند که تخفیفی لازم دارد بنا براین حق داریم باین اداره که وقتی يك همچو مقلبی باین اداره رجوع شد این اداره بواسطه معینى تحقیقات میکند و تشخیص می دهد که فلان مبلغ تخفیف لازم دارد و این تخفیف

دائمی بود یا اینکه موقتی خواهد بود این اداره تشخیص خواهد داد و بنده تصور میکنم اگر قدری دقت بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که امضاء کمیسیون با يك دقتی در همین ماده تمام جزئیات را در نظر گرفته اند این عبارت را که نوشته اند شامل يك مفهومی است که میتواند ما را از اجافات و ظلم که در ولایات واقع میشود مصون بدارد

**نایب رئیس** - گویا مذاکره کافی است جزو دوم قرائت میشود  
( مجدداً قرائت شد )  
**نایب رئیس** - مخالفی هست؟  
**سردار معظم مخبر** - مقصود این است هر ساله این صورت تهیه و تسلیم میشود  
**عادل الملک** اینکه نوشته است تهیه صورت مالیات برای وصول است گویا این عبارت چندان لازم نیست  
**سردار معظم مخبر** - خود تهیه صورت يك عملی است ولی بعد از این که تهیه کرد چه باید بکنند خودش باید وصول کند یا باید بیک اداره دیگری بدهد باین ملاحظه است که این عبارت این طور نوشته شده است و برای اینکه همان صورت را تهیه کند وهم بیک جایی تسلیم کند هر دو جزو وظیفه این اداره نوشته شده

**آقا سید فاضل** - بعضی اینکه رفع شبهه بشود خوبست عبارت این طور اصلاح شود (تهیه و تسلیم صورت مالیات در هر سال) یعنی هر ساله تعیین می کند و میدهد

**نایب رئیس** - دیگر مخالفی نیست ؟  
جزء سوم قرائت میشود  
( ثانیاً قرائت شد )

**نایب رئیس** - مخالفی نیست ؟ ( اظهاری نشد )  
گمان میکنم که تمام آقایان نمایندگان موافقت کرده اند و در این قانون بگذرد اگر مخالفی نیست خوبست جلسه را ختم کنیم و برای فردا ۳ ساعت بفرمایند معین بکنیم  
**سردار معظم** - بنده تقاضا میکنم که این فقراتی که از ماده دهم باقیمانده چون بیست دقیقه بیشتر وقت نمی خواهد مذاکره شود بعد جلسه ختم شود

**نایب رئیس** - بسیار خوب جزو چهارم از ماده دهم قرائت میشود  
( مجدداً قرائت شد )

**نایب رئیس** - مخالفی نیست ؟  
**حاج شیخ اسدالله** - تصور میکنم اگر این جا نوشته شود مالیاتها هم از مستقیم و غیر مستقیم بهتر است

**سردار معظم مخبر** - مخموساً نوشته شده است مالیاتها که شامل حال تمام مالیاتها بشود  
**نایب رئیس** - دیگر مخالفی نیست ؟ جزو پنجم قرائت میشود

( قرائت شد )  
**نایب رئیس** - مخالفی نیست ؟ جزو ششم قرائت میشود

( قرائت شد )  
**نایب رئیس** - مخالفی نیست ؟ جزو هفتم قرائت میشود  
( قرائت شد )  
**نایب رئیس** - مخالفی نیست ؟ ( گفته شد خیر ) جزو هشتم قرائت میشود  
( مجدداً قرائت شد )  
**نایب رئیس** - مخالفی نیست ؟  
**نظام السلطان** - ادارات مربوطه را خوب است آقای مخبر توضیح بدهند

**سردار معظم مخبر** - ممکن است يك اداره نباشد که محتاج به تمبر یا باندرول باشد ادارات متعدد است و تمبر ها و باندرول ها و هر قبیل اوراق قیمتی دولتی را این اداره نگاه میدارد و آنوقت هر اداره احتیاج داشته باشد و مجبور باشند استعمال این اوراق باشد ابواب جمعی او میکنند  
**نایب رئیس** - دیگر مخالفی نیست ؟ ( گفته شد خیر ) جزو نهم قرائت میشود  
( قرائت شد )

**نایب رئیس** - در این قسمت مخالفی نیست ؟ ( مخالفی نشد ) جزو دهم قرائت میشود  
( مجدداً قرائت شد )

**نایب رئیس** - در فقره دهم مخالفی هست ؟ ( اظهاری نشد ) فقره یازدهم قرائت میشود  
( ثانیاً قرائت شد )

**نایب رئیس** - در این جزو مخالفی نیست ؟  
**نظام السلطان** - بنده عرض می کنم که اگر آقای مخبر تصدیق بفرمودند این مطلب بکمیسیون برود هم رفع اشکالی که آقای حاج شیخ اسدالله داشتند میشد وهم بکفتری عبارت سلیس تر میشد و میخواستم عرض کنم اگر يك جزو بر این افزوده شود بهتر بود

و او این است چنانچه آقای معمل الدوله هم بیان کردند میزنی هم از خصایص همین اداره نوشته بشود در همان سه اودئیل که جزو جمعها و تفاوت عملها معین شد خود بنده در مازندران عمل کردم و خیلی از آنها بود که هیچ موضوع خارجی نداشت و لازم است مالیات در تحت يك ترتیب صحیحی باشد و حالا که این قانون وضع میشود و قانون هم برای احتیاجات امروزه است در این مسئله تا یک اندازه توجه نموده و این مسئله را از وظایف اداره بنویسند

**سردار معظم مخبر** - در فقره ششم مخموساً این فقره ذکر شده و مقصود آقا تصریح شده است  
**حاج شیخ اسدالله** - تصور میکنم يك فقره دیگر باین ماده اضافه شود و آن اینست که نوشته شود ( دوازدهم تهیه لواجیح برای تکثیر و تقابل عایدات )

**نایب رئیس** - باید پیشنهاد کرد  
**حاج شیخ اسدالله** - پیشنهاد کردم که تهیه لایحه بودجه و لواجیح راجع بتقابل و تکثیر عایدات از وظایف اداره تشخیص عایدات باشد که این لواجیح را تهیه بکنند که از روی صحت مالیاتها اخذ شود

**سردار معظم مخبر** - در فقره پنجم از وظایف وزیر این مسئله معین شده و این مسئله از وظایف وزیر است و بهر اداره که صلاحیت این کار را داشته

باشد رجوع خواهد کرد این مسئله بودجه نیست و مسئله تفریح بودجه نیست که یک اداره معین داشته باشد باین ملاحظه این مطلب جزو وظایف وزیر نوشته شده که بهر اداره از ادارات خودش صلاح میدانند رجوع کنند.

**نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟**

**حاج شیخ یوسف** - معلوم نیست مجلس تصویب کند که وصول مالیات هم بهمه خزانه داری باشد بنده تصور می کنم که در اینجا اکتفا کنیم و جمله ( و دادن آن ها بخرانه برای وصول را حذف کنیم )

**سردار معظم** - گویا آقا در این فقره دقت فرموده اند این مالیات هایی که مردم میدهند مالیات های معمولی نیست بنده این قسمت را دوباره میخوانم برای اینکه درست دقت فرمایند میبوسند تعیین هایات دولت که صاحب جمع مخصوصی نداشته و بموجب امتیازات و قرارداد بایدسالی دو هزار تومان بدولت بدهد باید کلا یک اداره معین شود که آن پول را بگیرد بدهد بخرانه داری تصور میکنم عملی تر این باشد که صورت آنرا بخرانه داری بدهند و خودش وصول کند.

**نایب رئیس** - در باب انعقاد جلسه فردا که عرض کردم آقای شیخ الملک پیشنهادی کرده اند قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که جلسه آتی را برروز دوشنبه قرار دهند.

**سردار معظم** - بنده مخصوصاً که مخیر کمیسیون قوانین مالیه هستم از حق خودم استفاده میکنم و از آقایان جداً استدعا میکنم که مخصوصاً قانون تشکیلات مالیه را جزو قوانین عادی تصور نفرمایند حتی اگر لازم است چند روزهم پشت سرهم جلسه را منمقد فرمایند و این قانون را زودتر بگذرانند و بنده خیلی متأسفم که در موقع مذاکره در هر ماده عقاید خود را مکرر اظهار میکنند در صورتی که اگر این قانون محتاج بدو شور نبود و به همان یک شور میگذشت باز مطلبی بود بنا براین بنده تقاضا میکنم که در ضمن مباحثات مذاکره روز گذشته را تکرار فرمایند که زودتر این قانون بگذرد

**شیخ الملک** - بنده پیشنهاد خودم را پس می گیرم.

**نایب رئیس** - بسیار خوب جلسه فردا ۳ ساعت بغروب و مذاکرات در بقیه قانون تشکیلات مالیه خواهد بود.

(مجلس یکساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

**صورت مشروح مذاکرات**

**روز يك شنبه دهم جمادی الثانیه ۱۳۲۳**

**جلسه ۲۷**

مجلس تقریباً یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤدب السلطنه نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز شنبه نهم قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقایان : حاج میرزا شمس الدین - حاج امام جمعه - آقا شیخ یعی - حاج شیخ حبیب الله - حاج میرزا فضلی آقا - حاج معین التجار - مؤید الاسلام

**نایب رئیس** - در صورت مجلس مخالفی نیست ؟

**مختصم السلطنه** - راجع به پیشنهاد بنده فقط لفظ دفاتر نوشته شده است در صورتیکه مکاتبات را مخصوصاً متذکر شده بودم خوبست اصلاح شود

**نایب رئیس** - بطور اختصار اشاره شده است دیگر مخالفی نیست ؟ ( اظهاری نشد ) صورت مجلس تصویب شد - بقیه مذاکره در قانون تشکیلات مالیه است چون آقای سردار معظم مخیر کمیسیون قوانین مالیه حاضر نبودند آقای معذل الدوله برای دادن توضیحات بسمت مخیری معین شده اند - اداره خزانه داری کل ماده یازدهم قرائت میشود ( جزء اول ماده مزبوره از راپورت کمیسیون بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده یازدهم - اصول وظائف خزانه داری کل از قرار ذیل است

( ۱ ) جمع آوری و تمرکز تمام هایات نقدی و جنسی دولت و دریافت هایات ادارات صاحب جمع دولتی و آنچه که بموجب قرارداد ها و امتیازات بدولت باید عاید شود

**نایب رئیس** - در جزء اول مخالفی نیست

**آقا سیدفاضل** - بنده مخالفم بنده سابقاً رقیبک شورکایات قانون تشکیلات مالیه میگذشت جمعاً با بنده از حیث این معنی شرکت داشتند که کلیه بعد از اینکه در پروگرام کابینه آقای مشیرالدوله دیدم که حتی الامکان متحرز و تجنب شده بود از اینکه قواء و اختیارات در یکجا جمع شود خوشبختانه از آن تجنب و احتراز همچه میفهمیدیم که اداره تشخیص از اداره وصول و اداره وصول از اداره خرج تفکیک خواهد شد خیالی بود میگردیم بعد قانون تشکیلات که از طرف وزیر پیشنهاد شده اداره تشخیص از اداره وصول و خرج تفکیک شده بود و وصول و خرج بالصراحه از وظایف خزانه داری نوشته شده بود و در راپورت کمیسیون اداره وصول تحت پرده در اداره خزانه داری نوشته شده است حالا بچه ملاحظه بودجه عرض کنم بنده جداً عرض میکنم تمام تنفرت مردم و تمام این احساساتی که بر علیه اداره خزانه بود بواسطه این بود که خزانه بامؤدیان مالیات طرف بود و تفکیک اداره تشخیص از خزانه علاج اینکار نمیشود و باز اداره خزانه بامؤدیان دولت طرف خواهد بود منتهی باواسطه گاهی جواب داده میشود این تشکیلات مرکزی است و این مطلبی که تو میگوئی در قانون بلاد خواهد بود قانون بلاد هم آنچه وزیر پیشنهاد کرده است الان موجود است و بعقیده بنده باید بکلی اداره وصول از اداره خزانه تفکیک شود باین معنی که خزانه دار صندوق دار باشد مالیات را مؤدیان مالیات بغیر از اداره خزانه بدهند و وصول مالیات با اشخاصی که ارتباط با خزانه دارند نباشد خاصه این که در تشکیلات ولایات وزیر می نویسد پیشکاران و امناء مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه دار خواهد بود در اینصورت باز قطعاً همانطور خواهد بود و اشکالاتی که در قانون ( ۲۳ ) جزوا داشتیم همان اشکالات اختیار امر ما وارد خواهد شد حالا که آقای مخیر نیستند آقای معذل الدوله توضیح فرمایند و یکرحمی بمؤدیان مالیات بکنند و این مسئله را قبول کنند و برگردانند بکمیسیون که اداره وصول از خزانه تفکیک شود و خزانه فقط صندوقی باشد پول را امناء مالیه

و پیشکاران سکه وزیر مالیه مسقیماً از طرف خودش بدون پیشنهاد خزانه داری معین میکنند از مردم بگیرند برای خزانه بفرستند که خزانه فقط یک صندوقی داشته باشد و پول را نگذارند آنجا و ابداً شخص خزانه دار بامؤدیان مالیات طرف نباشد والا اگر خدای نخواست خدای نخواست اینطور نشود همان اشکالات فراهم خواهد شد گمان میکنم عقیده بعضی از آقایان اعضاء کمیسیون هم همین نحو بوده است که بنده عرض کردم حالا اگر آقای مخیر توضیحی دارند بفرمایند ولی انشاءالله این پیشنهاد را قبول میکنند

**معذل الدوله مخیر** - اولاً یکفرمایشی فرمودند در خصوص تجزیه امور تشکیلات مالیه و آنچه بنده در نظر دارم و در همین مجلس می شنیدم در پروگرام وزراء بطور کلی تجزیه ادارات مقرر شده بود و پروگرام هیئت وزراء بما میفهماند که بطوری ادارات و مسؤولیت های وزارت مالیه را تجزیه خواهند کرد که سکنه بامور مالیه وارد نیاید دولت را از مخارج کراف و اضافه خرج محفوظ بدارد پس در اینصورت یک چیزی نیست که سابقاً بطوری ذکر شده باشد و حالا طور دیگری شده باشد علاوه بر آن بنده خاطر آقا را مستحضر میکنم همان مقصودی را که دارند بعمل آمده است اگر چه بنده بهمه مردم حق میدهم چون خیلی صدمه خورده اند حق دارند از لفظ خزانه داری و از اسم خزانه داری بترسند ولی می ترسم اگر چنانچه اداره وصول راهم خارج کنیم و اداره پرداخت راهم از خزانه جدا کنیم باز بگویند اداره خزانه نباید صندوق باشد در صورتیکه این طور نیست و تصور میکنم نباید آنقدر وحشت کنند زیرا آنچه میگویم که ما از او احتیاط میکردیم و موجب شکایت همه مردم بود همان چیزهایی بود که از همین اداره خارج شد باز هم تکرار میکنم در کلیات هم عرض کردم و باز هم ضرورتاً عرض میکنم آنوقت خزانه داری یک شخصی بود که هر چه دلش میخواست میکرد و هر چه دلش میخواست میداد و مأمورینش در ولایات هر کار میکردند مرجع تظلم معلوم نبود کسیست و متظلم نمیدانست بکجا رجوع کند و وقتی که رجوع میکرد میگفتند امری است صادر شده حالا چنانچه خودشان فرمودند اداره تشخیص یعنی برای آنچه که باید گرفته شود اداره معین شد و وظائف او معین است و مکرر گفته شده است که جزو جمعها و بدهی هر نقطه را و هر جا را چاپ میکنیم و بدست مردم میدهیم و برای مردم سند خواهد بود که بیش از آن کسی حق نداشته باشد مطالبه کند برای این که معلوم باشد که بنده و کمیسیون هم موافقت داریم عرض کنم که پیشکاران مالیه مطلقاً از طرف وزیر مأمور میشوند و مسؤل وزیر هستند و بطور تحقیق آنها مأمور وصول مالیات هستند علاوه بر آن مایک وظیفه برای اداره تشخیص در همین قانون معین کرده ایم که اگر مالیات بدهی اظهاری بکند یکسر خط مالیاتی یعنی یک تصدیق مالیاتی بخواهد آن تصدیق را بدهند پس در هر نقطه از این مملکت هر مالیات بدهی که بخواهد بداند چقدر مالیات باید بدهد و بخواهد از تمدی مصون بماند که زیادتر از او بگیرند ممکن است یک همچو سرخط بگیرد دولت این طور